

بحران سرمایه و ضرورت تصرف کارخانه ها

کمیته هماهنگی

شنبه دوم آذر ۱۳۸۷

سخن مکرر ما این بود که بحران سرمایه جهانی به سرعت سرمایه داری بحران زده ایران را نیز دربر خواهد گرفت. این سرعت بسی بیش از آن است که عقل متفکران و دولتمردان سرمایه به طور کلی و دولت سرمایه داری ایران به طور خاص قادر به محاسبه آن باشد. در ظرف فقط چند روز رخساره سرمایه در ایران چروک خورده است. دیگر تنها فعالان ضد سرمایه داری نیستند که از بحران سرمایه داری سخن می گویند. اقتصاددانان و دولتیان و حاکمان سرمایه از هر جناح و مسلک و دار و دسته همه به هراس افتاده اند. همه از سقوط قیمت نفت و در واقع از کاهش عظیم حجم اضافه ارزش های افسانه ای نفتی سخن می گویند. ذخیره ارزی دولت سرمایه از ۲۰۰ میلیارد دلار در دو سال پیش اینک به صفر نزدیک شده است. کارخانه ها به سرعت چندان چندان تعطیل می شوند و در حالی که تا همین چندی پیش از تعطیل ۲۰۰ کارخانه سخن می رفت اکنون یکی از نمایندگان مجلس سرمایه شمار مراکز تعطیل شده را ۵۰۰ تا اعلام کرده است. چند صد هزار کارگر بیکار جدید به لشکر چندین میلیونی بیکاران قبلی اضافه می شود و این روند بی گمان در آینده شتاب بیشتری به خود خواهد گرفت. این ها مسائلی هستند که پشت سر هم دارد اتفاق می افتد. قبل از هر چیز ببینیم که سرمایه داران و دولت آن ها چه راه حلی برای مقابله با امواج ویرانگر بحران دارند.

محمد نهاوندیان، رئیس اتاق بازرگانی یعنی بزرگ ترین تشکل اقتصادی سرمایه داران بخش خصوصی ایران، به نمایندگی از تشکیلات متبوع خود طرحی را زیر نام « طرح حمایتی تولید و کار آفرینی » تسلیم احمدی نژاد کرده است. او در بخش اول این طرح به احمدی نژاد هشدار می دهد که به جای ابراز خوشحالی از وقوع توفان بحران باید فکری به حال کشتی در حال غرق اقتصاد سرمایه داری ایران کرد. او سپس ادامه می دهد که وضعیت واحدهای تولیدی رو به وخامت گذاشته است. خطر تعطیل کارخانه ها رو به افزایش است و تنها چاره کار این است که راه دولت های سرمایه داری غرب را در پیش بگیریم. اتاق بازرگانی در همین راستا انجام کارهایی را به دولت احمدی نژاد پیشنهاد می کند و بر ضرورت اجرای فوری آن ها تاکید می کند. خطوط کلی این پیشنهادات عبارت است از:

۱. بدهی های معوقه سرمایه داران به دولت برای ۲ سال به تعویق انداخته شود.

۲. بخشش تمام جرائم دیرکرد وام ها و اعتباراتی که سرمایه داران در سال های گذشته دریافت کرده اند.

۳. دولت هر چه سریع تر تعهداتش را در قبال بخش خصوصی انجام دهد و کل بدهی خود به سرمایه داران این بخش را پرداخت کند.

۴. برای تقویت توان بانک ها در حمایت از واحدهای تولیدی یک « صندوق تثبیت » ایجاد شود تا بانک ها بتوانند نقدینگی مورد نیاز مؤسسات صنعتی و تولیدی را تأمین کنند.

اگر بخواهیم حرف های نهاوندیان و پیشنهادات اتاق بازرگانی کشور را با نگاه اقتصاد سیاسی طبقه کارگر مورد

توجه و بررسی قراردیم معنای همه آن ها این است که اقتصاد سرمایه داری در سراسر جهان و از جمله ایران در منجلاب بحران فرورفته است. ریشه بحران در ذات سرمایه نهفته است. در این شیوه تولید فقط سرمایه و سرمایه و باز هم سرمایه تولید می شود. کل دنیا از جمله جامعه ایران از سرمایه اشباع شده است. میلیاردها کارگر در سراسر جهان و میلیون ها برده مزدی بیش از حد ارزان و شبه رایگان در ایران شب و روز به وحشتناک ترین شکل توسط سرمایه استثمار می شوند. این کارگران اقیانوس بیکرانی از ارزش اضافی یا سود برای سرمایه ها تولید می کنند، اما این اقیانوس بیکران باز هم نمی تواند عطش و حرص سیری ناپذیر سوداندوزی سرمایه را ارضا کند. از همین رو است که نرخ سودها تنزل کرده، بحران سرمایه فعلیت یافته و بخش عظیمی از سرمایه جهانی و سرمایه های متعلق به سرمایه داران ایرانی قادر به بازتولید و ادامه روند ارزش افزایی خود نیستند. این سرمایه ها در رقابت های سبعانه و هار با هم حداکثر تلاش را برای کسب سهم مناسب و دلخواه خود از کل اضافه ارزش های تولید شده توسط بردگان مزدی در سراسر دنیا کرده اند. اما این سهم کفاف ادامه کار برای تولید مجدد سرمایه و انباشت عظیم تر سرمایه های تازه را نمی دهد.

کالبدشکافی کارگری و ضدسرمایه داری مقدمات « طرح حمایتی تولید و کارآفرینی» اتاق بازرگانی هیچ چیز جز نکات بالا را نشان نمی دهد و طبعاً از درون شناخت درست و کارگری همین مقدمات است که می توان معنا و محتوای پیشنهادات نهاد مذکور را خوب درک کرد. اتاق بازرگانی خطاب به دولت احمدی نژاد می گوید: خوب، اوضاع به گونه ای است که تصویر شد. شما هم دولت سرمایه داری و سرمایه داران هستید و باید کشتی توفان زده سرمایه را در این شرایط حساس خوب سکانداری کنید. اساساً فلسفه وجودی شما پاسخ به منویات و ملزومات حیات سرمایه است و در دل این شرایط توفانی و خیزش امواج سهمگین بحران و از آن مهم تر و هولناک تر خطر خیزش امواج کوبنده اعتراض و پیکار میلیون ها برده مزدی بیکار و گرسنه و در معرض مرگ باید هرچه زودتر بجنبید و سرمایه را نجات دهید! اتاق بازرگانی البته به این خطرها و هشدارها بسنده نمی کند و پس از بیان مقدمات ماجرا یکر است سراغ پیشنهادات و راه حل ها می رود. فشرده کل این طرح ها و توصیه ها و رهنمودها این است که دولت هر چه دارد در طبق اخلاص بگذارد و به مراکز کار و تولید و مؤسسات خرید و فروش نیروی کار هدیه کند. کوه عظیم تعهداتی را که همواره در مقابل سرمایه ها داشته است هر چه سریع تر انجام دهد. ۵۰۰۰ میلیارد تومانی را که برای کمک به صاحبان سرمایه متعهد بوده است پرداخت کند. میلیاردها میلیارد سرمایه هایی را هم که قبلاً از طریق بانک ها در اختیار سرمایه داران و نهادهای سرمایه گذار گذاشته است حاتم وار بذل و بخشش کند. حتی از بهره های بانکی این وام ها یا در عالم واقع سهم سود همان سرمایه ها از اضافه ارزش های تولید شده توسط کارگران به طور کامل چشم بپوشد. دولت تمام این کارها را با بلندنظری و سعه صدر و سخاوت بسیار انجام دهد تا شاید کشتی به گل نشسته سرمایه را از لای گل و لای بحران بیرون آورد. معنای طرح اتاق بازرگانی این است. اما مفاد این طرح و لاجرم تعبیر زمینی و کارگری آن ادامه دارد. به بیان دیگر، بخش اساسی یا جوهر و خمیرمایه اصلی آن از این به بعد است که رخ از پرده برون می اندازد و خود را آفتابی می کند.

اکنون پرسش مهم این است که دولت این همه سرمایه را که بر اساس توصیه اتاق بازرگانی باید هر چه سریع تر در اختیار سرمایه داران بخش خصوصی قرار دهد از کجا می آورد؟ جواب، ساده است. دولت خود بزرگ ترین سرمایه

دار است و کل هست و نیست وی به عنوان سرمایه دار اضافه ارزش هایی است که کارگران تولید می کنند. دولت مالکیت بخش وسیعی از سرمایه های جامعه را در اختیار دارد. جمعیت کثیری از توده فروشنده نیروی کار را در آب و برق و ذوب آهن و نفت و گاز و مخابرات و پست و هزاران کارخانه زیر پوشش نهادهای غول پیکر مالی و تراست های عظیم صنعتی استثمار می کند. دولت علاوه بر مالکیت این سرمایه ها و تصاحب اضافه ارزش های ناشی از استثمار کارگران این حوزه ها هر سال کوه عظیمی از اضافه ارزش های تولید شده توسط طبقه کارگر بین المللی را نیز به صورت درآمدهای نفتی نصیب خود می سازد. از این ها که بگذریم، دولت وجوه بسیار کلانی از حاصل کار و استثمار طبقه کارگر را نیز سالانه به شکل مالیات از دایره معیشت آن ها خارج و به سرمایه های خود اضافه می کند. دولت سرمایه داری نهاد نظم سیاسی و برنامه ریزی و اعمال حاکمیت سرمایه است و بر همین پایه در چهارچوب بودجه های مصوب سالانه اقلامی از درآمدهای عظیم خود را باید در حوزه هایی مانند بهداشت، درمان، آموزش و خدمات و تأسیسات و زیرساخت های عمومی هزینه یا سرمایه گذاری کند. به این ترتیب، معنای تقاضای اتاق بازرگانی از دولت در یک کلام این است که دولت فشار خود بر چند ده میلیون کارگر و افراد خانواده های آن ها را بازهم بیشتر کند تا به این طریق از کاهش سود سرمایه های سرمایه داران جلوگیری کند. به عبارت صریح تر، دولت لقمه های نان خالی را نیز از دهان کارگران و فرزندان آنان بگیرد و به سرمایه داران بدهد تا شاید کشتی به گل نشسته اینان از گل درآید. این کل صدر و ذیل پیشنهادات اتاق بازرگانی و طرح آقای نهانوندیان رئیس این نهاد قدرتمند سرمایه داران بخش خصوصی است. عصاره حرف های این ها آن است که دولت هزینه دارو و درمان کارگران و خانواده های آنان را بازهم بیشتر کند، بیمه خدمات درمانی را از این هم که هست بی خاصیت تر کند، شهریه تحصیلی فرزندان کارگران را بازهم بالاتر ببرد، سطح دستمزدهای واقعی کل توده های کارگر را بازهم کاهش دهد، بهره وام های مسکن را از این هم که هست بیشتر کند، بر افزایش افسارگسیخته اجاره بهای مسکن و قیمت خورد و خوراک و پوشاک بیش از پیش چشم ببوشد و بهای بلیط اتوبوس و مترو و راه آهن و هر وسیله نقلیه دیگر را بازهم بیشتر کند. اتاق بازرگانی از دولت می خواهد و در مقام نهاد قدرت سرمایه داران خصوصی به سازمان نظم و برنامه ریزی سرمایه حکم می دهد که ۵۰ میلیون کارگر و انسان های عضو خانواده کارگری را هر چه جلادانه تر قتل عام کند تا از این طریق کشتی سودآوری سرمایه را از توفان برهاند. حرف سرمایه داران و از جمله اتاق بازرگانی این ها بود که گفتیم. حال سؤال این است که حرف کارگران چیست یا چه باید باشد؟ آیا قرار است که ما بازهم به ستم سرمایه تن دهیم، بازهم به صرف شکایت و عریضه نویسی بسنده کنیم، باز هم دایره مبارزه خویش را به تحسن و اجتماع در برابر مجلس و سایر نهادهای دولتی سرمایه و اعتصاب در کارخانه های از پیش تعطیل محدود سازیم؟

همزنجیران!

سؤالات بالا بسیار اساسی و در واقع اساسی ترین پرسش های زندگی ما در حال حاضر است. به این سؤالات باید پاسخ داد و ما به سهم خویش به عنوان بخشی از کارگران ایران تا حال پاسخ داده ایم و این پاسخ را هر روز تکرار می کنیم و خواهیم کرد. به طرح اتاق بازرگانی خوب دقت کنید. به کلمه کلمه گفتار سرمایه داران را با دیده بصیرت و با آگاهی نظر بیندازید. این ها با تمامی وقاحت و بیشرمی به دولت می گویند که هست و نیست ما را سلاخی کند و

به سود سرمایه ها بیفزاید تا در این گذر سرمایه های صاحبان کارخانه های تعطیل شده یا در معرض تعطیل بتواند با سودهای کلان و نجومی به استثمار ما ادامه دهند. مطمئن باشید که دولت هم به این ندای سرمایه داران لبیک خواهد گفت. سؤال اساسی این است که چرا ما نباید این کارخانه ها را تصرف کنیم و با قدرت عظیم طبقه مان دولت سرمایه داری را مجبور سازیم که اولاً حتی یک ریال هم از معیشت ما کسر نکند و ثانیاً بخشی از کوه عظیم اضافه ارزش هایی را که از استثمار ما به چنگ آورده است به ما پس دهد تا ما خود برنامه ریزی کار و تولید را در همه این واحدها به دست گیریم. چرا سرمایه داران باید به خود اجازه دهند چنان خواست هایی را از دولت مطرح کنند و فوری لباس قانون بر آن ها بپوشانند و دولت سرمایه را نیز به اجرای آن ها حکم دهد اما ما ۵۰ میلیون نفوس کارگری این جامعه باید این گونه خوار و ذلیل و درمانده شاهد تاخت و تاز بی عنان سرمایه داران و دولت آن ها علیه آخرین لقمه نان کودکان خود باشیم؟

همزنجیران!

جامعه سرمایه داری میدان جنگ همیشه جاری توده های کارگر در یک سو و سرمایه و طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری در سوی دیگر است. در این جنگ آن که نجات به طور قطع شکست می خورد و از هستی ساقط می شود، زیرا طرف مقابل به طور قطع می جنگد و دیگری را ساقط می کند. اگر ما کارگران با سرمایه نجات سرمایه ما را بیش از پیش به ورطه شکست می کشاند. شکست ما از سرمایه در شرایط کنونی بیش از آنچه به تصور آید هولناک خواهد بود. سرمایه داران و نظام سرمایه داری برای تسلیم میلیون ها نفر از ما و کودکان ما به دم تیغ گرسنگی و مرگ عزم جزم کرده اند. اگر راه درست جنگ با نظام سرمایه داری را پیدا نکنیم آنان این کار را می کنند. باید به پاخیزیم و کارخانه های در حال تعطیل را از دست آن ها خارج سازیم. برای این کار ابتدا باید متحد و متشکل شویم. باید به صورت شورایی و سراسری متشکل شویم. باید منشور مطالبات پایه ای طبقه خویش را شالوده استوار سازمانیابی سراسری خویش علیه سرمایه قرار دهیم. باید در هر کجا که هستیم شوراهای خود را برپا داریم. باید شوراها را به هم گره زنیم و تشکل سراسری و شورایی ضد سرمایه داری خود را به وجود آوریم. باید با اتکا به قدرت این شوراها کارخانه ها را تصرف کنیم. باید قدرت تمامی بخش های طبقه مان را در این سازمانیابی سراسری یکدست و یک کاسه کنیم. باید تصرف کارخانه های در حال تعطیل، اعتصاب در سایر مراکز کار و تولید و از کار انداختن چرخ تولید سود و همه راهکارهای مؤثر دیگر را با هم یکی کنیم تا به این ترتیب قدرت واقعی دگرگون ساز طبقاتی خویش را در مقابل سرمایه وارد میدان سازیم.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در معرض تعطیل را به تصرف خود درآوریم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲ آذر ۸۷

www.hamaahangi.com

hamaahangi@gmail.com